

## رونمایی از قوانین جدید بیمه بیکاری

**راحله شعبانی** - کلیه مشمولان قانون تامین اجتماعی، که تابع قانون کار هستند، مشمول قانون بیمه بیکاری می شوند. بنابراین کسانی که طبق قانون کار تحت پوشش بیمه اجباری هستند قانون بیمه بیکاری نیز بر آن ها حاکم است. اما تحت شرایط خاصی به عده ای از افراد بیمه بیکاری تعلق نمی گیرد. خروج برخی از مشاغل و گروه ها از پوشش بیمه بیکاری یا به دلایل قانونی است، مثل اتباع خارجی که به روشنی در قانون بیمه بیکاری از شمول خارج شده اند یا به دلیل ماهیت و فلسفه وجودی نوع بیمه مربوط است. در این نوع از فعالیت ها به دلیل نداشتن کارفرما یا صاحبکار، موضوع بیکاری و اخراج منتفی است. مثل بیمه کارگران ساختمانی. افرادی که بیمه بیکاری دریافت نمی کنند عبارتند از:

صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه شدگان اختیاری  
بازنشستگان و از کارافتادگان کلی  
اتباع خارجی  
مشمولین بیمه اجباری کارگران ساختمانی  
مشمولین بیمه اجباری رانندگان برون و درون شهری  
مستخدمین پیمانی دستگاه های دولتی  
مشمولین بیمه قالی بافان به صورت انفرادی و بدون کارفرما  
بیمه خادمین مساجد  
بیمه کارگران باربر  
افراد شاغل در موسسات و شرکت های دولتی که از لحاظ استخدامی تابع مقررات خاص هستند.

شاغلین کارگاه های خانوادگی که اعضای شاغل در آن منحصر به صاحبکار و خویشاوندان نسبی درجه یک وی باشند (شامل همسر، فرزندان و پدر و مادر).

### وصل شدن بیمه بیکاری به بازنشستگی

دیوان عدالت به تازگی با شکایت یک کارگر، رای را صادر کرده است. این رای حکم می دهد که اگر کارگر ۵۵ ساله، غیرارادی و ناخواسته بیکار شده و مشمول بیمه بیکاری شود، در صورتی که تا ۶۰ سالگی مشمول این مقرری باشد، بعد از آن بازنشسته خواهد شد. در واقع براساس این رای، کارگران ۵۵ ساله مشمول بیمه بیکاری می توانند تا زمان بازنشستگی از مقرری بیکاری استفاده کنند و پس از رسیدن به ۶۰ سال به جای این مقرری، مستمری بازنشستگی بگیرند.

در روزهایی که بازار سرمایه درگیر ریزش است، عوامل کلان چه سمت و سویی برای بورس نشان می دهند؟

# بورسی در محاصره متغیرهای سیاسی و اقتصادی

جواد  
غیاثی  
کارشناس  
بورس

با وجود گزارش های خوب و انتظار برای بهبود عملکرد و سودسازی شرکت ها، فضای روانی حاکم بر بورس سنگین است و فشار فروش عمدتاً بالاست. اما این روزها یک نگرانی دیگر هم وجود دارد و آن هم شرایط اقتصادی و متغیرهای کلانی است که در کوتاه مدت از بورس حمایت نمی کنند!

بازار سرمایه کشور در آستانه ورود به یک فاز خرسی جدید قرار گرفته است. فاز خرسی قبلی سه ماه تا ۲۰ آبان طول کشید و بورس بعد از آن فقط به مدت یک ماه توانست صعودی بماند و دوباره نزولی شد. اکنون بعد از یک دوره ۳۵ روزه افت قیمت ها، شاخص کل بورس تهران در آستانه از دست دادن کف ۲۰ آبان قرار گرفته است. شرایط تقریباً شبیه مهرماه است. جایی که

### بورس خرسی شده است؟

افت قیمت ها و شاخص ها در بورس در روزهای اخیر شرایطی نگران کننده ایجاد کرده است. غلبه فروش در هر زمانی هویداست و هر تلاشی برای بهبود قیمت ها با یک فشار عرضه خنثی می شود. در این شرایط هر روز بر تعداد فروشنده ها افزوده می شود. و این مقدمه ایجاد فاز خرسی در بازار است. برخی اکنون از خرسی شدن بورس صحبت می کنند و برخی رفتار شاخص در نیمه اول هفته جاری را در این خصوص تعیین کننده می دانند. البته مباحث مختلفی در خصوص چندرنگ شدن بازار، وضعیت بنیادین و روند کلان اقتصادی هم وجود دارد که در ادامه به آن می پردازیم.

### گریز از سهم های دولتی به سهم های مردمی؟

البته برخی خرسی شدن بورس و فرورفتن بازار به فاز ریزش دسته جمعی (مشابه آن چه از ۲۰ مرداد تا ۲۰ آبان رخ داد) را نمی پذیرند. بلکه با استناد به رشد نسبی شاخص کل هم وزن نسبت به شاخص کل در برخی دوره ها و ثبات این شاخص در دوره های دیگر، بورس را دورنگ تفسیر می کنند که در آن بخشی از بازار نزولی شدید است و بخشی دیگر سودده یادر نهایت با ثبات. بخش زیان ده و خرسی بازار سهم های بزرگ بنیادین هستند که مدام مورد دخالت دولت و حقوقی ها هستند و به شدت تحت تاثیر مصوبات و ابلاغیه های دولتی هستند. نمونه بارز آن گروه فولادی است که با بخشنامه جدید وزارت صمت تحت فشار قرار گرفته است و معلوم نیست با بخشنامه های بعدی یا قوانین مجلس چه حالی پیدا کند. پتروشیمی ها، معدنی ها و پالایشی ها هم از مناظر مختلف تحت تاثیر دولت و تصمیمات دولتی قرار دارند. همچنین به دلار هم وابسته اند و سرنوشت دلار هم در گرو برنامه های دولت است؛ برنامه هایی که شفاف نیست. حضور حقوقی ها هم در این سهم ها بیشتر بوده و باعث هراس بیشتر پول های حقیقی شده است. اما بخش دیگر بازار یعنی سهم های کوچک اگر چه ریسک های مهم عملکردی و بازاری دارند اما حداقل از "ریسک

دولت" تهی هستند. بنا براین با اقبال حقیقی ها از ریزش و ورود به فاز خرسی کم و بیش مصون مانده اند. اذهان عمومی بورسی گروه اول را "سهم دولتی" و گروه دوم را "سهم مردمی" نام گذاری کرده است. خلاصه این که این دسته از تحلیل گران تجویز عمومی برای بورس را در دوره فعلی ناصحیح دانسته و می گویند باید بین سهم دولتی و سهم مردمی تفکیک قائل شد. همچنین باید بین سهم دلاری (فلزی-معدنی و پتروپالایشی) و سهم برجامی (بانک و خودرو) و سهم های داخلی فروش دیگر تفکیک قائل شد.

### فرار پول از بورس به دارایی با بازدهی ثابت

اگر چه تحلیل فوق بهره های مهمی از واقعیت دارد و تمایز بین گروه های مختلف آشکار است اما اگر از منظر دیگر به بازار نگاه کنیم شاهد نوعی روند یکنواخت هستیم. بر این اساس، اولاً روند خروج پول حقیقی از بورس آشکار است و رقم آن در یک ماه اخیر به حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. ثانیاً شرکت های کوچک اگر چه با نقدینگی حمایت می شوند اما از نظر بنیادین به شدت ضعیف هستند و این موضوع ریسک آن ها را افزایش داده و گاهی نوسانات شدید ۱۰ درصدی نیز در آن ها ایجاد می کند. در نهایت این که کلیت بازار (فارغ از دلاری یا داخلی-فروش) متاثر از رشد نرخ ارز و چشم انداز تورمی است.

### جش گاوای بورس بر شاخ تورم و رشد نرخ ارز

اگر چه رشد بورس در دو سال اخیر (از تابستان ۹۷ تا تابستان ۹۹) علل مختلفی از جمله هجوم نقدینگی، تبلیغات و مداخلات دولتی و ... داشته است اما همه ناظران اذعان دارند که موتور محرک اولیه بازار سهام، رشد نرخ ارز و فضای تورمی ناشی از آن بوده است. رشد نرخ ارز ابتدا سهام دلاری را رشد داد و بعد با ایجاد تورم، قیمت و میزان فروش شرکت های داخلی فروش را نیز متاثر کرد. لذا فاز گاوای پیشین بورس بر شاخص تورم و دلار بوده و طی چند ماه اخیر نیز ثبات یا افت نرخ ارز یک

محور اصلی فاز خرسی بوده است. اگر خاطرتان باشد در تحلیل های پیشین نیز ثبات نرخ ارز در محدوده ۲۵ هزار تومان به عنوان یکی از مهم ترین پیش شرط های تحلیل های بنیادین در خصوص ارزندگی سهم های دلار محور ذکر می شد.

### دلار نزولی می شود

فارغ از این که آینده دلار چه شود و تحلیل درباره مذاکرات، دسترسی به منابع، سیاست دولت و ... چه باشد، هم اکنون انتظاراتی جدی در خصوص افت قیمت ایجاد شده و این موضوع محرک اصلی افت بورس است. اگر چه بهانه های مختلفی مثل اقدامات دولت، رفتار حقوقی ها، تناقضات سیاست گذاری ها و ... هم وجود دارد اما ریشه اصلی افت بورس، از بین رفتن انتظارات تورمی است. طی یک ماه گذشته شاهد هجوم نقدینگی به دارایی ها با سود ثابت (افزایش سپرده بلندمدت بانکی و خرید اوراق دولتی) بودیم که نشان از خروج پول از دارایی های فیزیکی، ارز، طلا و سهام دارد. روند رشد نقدینگی در بازه ماهانه نیز صفر شده و شاخص های تورم ماهانه نیز موید از بین رفتن انتظارات تورمی است.

### در سهام هم فروشنده شویم؟

پاسخ این سوال در بازه بسیار کوتاه مدت سخت



نیست اما در میان مدت و بلندمدت بستگی به تحلیل ها دارد. از جزئیات در خصوص روند نمادهای مختلف، حمایت نقدینگی از بخش های مختلف بازار و وضعیت بنیادین گروه ها و شرکت ها که بگذریم، شرایط نرخ ارز مهم است. تا پیش از این بسیاری بر ثبات نرخ ارز در بازه ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان تصریح داشتند اما اکنون انتظارات برای افت تقویت شده است. از منظر اقتصادی برخی افت نرخ ارز را با توجه به تجربه و هضم تورم ناشی از آن منطقی نمی دانند و ثبات را بهتر از افت و خیزهای مداوم می دانند. اما مباحث سیاسی داغ و پیچیده است. برخی می گویند که دولت در تکاپوست تا با کاهش نرخ ارز زمینه را برای موفقیت نزدیکان به خود در انتخابات آینده فراهم کند و در این مسیر تلاش زیادی خواهد کرد. اما در سوی دیگر همه می دانند که افت دلار به منزله افت بورس خواهد بود و با توجه به سهامدار شدن جمعیت زیادی از مردم کشور، بازدهی سهام نیز به عنوان شاخص رای مردم، مدنظر گروه های مختلف و دولت خواهد بود. لذا موضوع سراسر نیست و تحلیل آن نیازمند سناریوپردازی شرایط مختلف از نظر اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست خارجی است. از منظر سرمایه گذاری، تسهیم دارایی بین بازارهای مختلف و قرار دادن بخش مناسبی از آن در بازارهای بدون ریسک منطقی است.

فارغ از این که آینده دلار چه شود و تحلیل درباره مذاکرات، دسترسی به منابع، سیاست دولت و ... چه باشد، هم اکنون انتظاراتی جدی در خصوص افت قیمت ایجاد شده و این موضوع محرک اصلی افت بورس است. اگر چه بهانه های مختلفی مثل اقدامات دولت، رفتار حقوقی ها، تناقضات سیاست گذاری ها و ... هم وجود دارد اما ریشه اصلی افت بورس، از بین رفتن انتظارات تورمی است.